به نام خدای مهربان

۳۲ قصه‌ی بامزه از
سی و دو حرف الفبای زبان فارسی

آی قصه قصه قصه
الف تا ی با قصه

کتاب کار کودک

مناسب برای پیش‌دبستانی‌ها و کلاس اولی‌ها

همراه آموزش نوشتن الفبا

برمبنای ترتیب بودجه‌بندی کتاب فارسی اول دبستان

تصویرهای هر قصه را به سلیقه‌ی خودتان رنگ‌آمیزی کنید

کتاب‌های قاصدک

واحد کودک و نوجوان موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

ناشر پیشرو در انتشار کتاب‌های کمک‌آموزشی برای مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه همکف واحد ۱
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (۵ خط) ● تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳ ● کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۴۷
اینستاگرام: @ghasedakbooks ● تلگرام: @ghasedakbooks ● فروشگاه آنلاین: www.ghasedakbooks.ir

آی قصه قصه قصه الف تا ی با قصه

نویسنده: ناصر نادری
تصویرگر: ساناز کریمی طاری
صفحه‌آرایی و اجرای جلد: فریدون حقیقی
مدیر هنری: حسین نیلچیان
زیر نظر گروه برنامه‌ریزی آموزش‌های پیش‌دبستانی
موسسه نشر و تحقیقات ذکر
لیتوگرافی: گلپا ● کد ۹۹/۱۰۰۰
چاپ اول: ۱۳۹۹ ● تیراژ: ۱۵۰۰ جلد
شابک: ۳-۱۴۶-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

سرشناسه: نادری، ناصر، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور: آی قصه قصه قصه الف تا ی با قصه به ترتیب بودجه‌بندی کتاب فارسی اول دبستان/ نوشته‌ی ناصر نادری؛ تصویرگر ساناز کریمی؛ زیرنظر گروه برنامه‌ریزی آموزش‌های پیش‌دبستانی.
مشخصات نشر: تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، کتاب‌های قاصدک.
مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.: مصور.؛ ۲۲×۲۹س‌م.
شابک:۳-۱۴۶-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: الفبای فارسی -- راهنمای آموزشی (ابتدایی)
موضوع:Persin language -- Alphabet -- Study and teaching (Elementary)
موضوع: قصه‌گویی -- راهنمای آموزشی (ابتدایی)
موضوع:Storytelling -- Study and teaching (Elementary)
موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع:Persian, Short stories -- 20th century
شناسه افزوده: کریمی طاری، ساناز، ۱۳۵۹ -، تصویرگر
شناسه افزوده: موسسه نشر و تحقیقات ذکر
رده‌بندی کنگره: LB۱۵۷۷
رده‌بندی دیویی: ۳۷۲/۶۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی:۷۳۶۲۲۸۴

آ و بُزه

یک ا بود، این قدر یک جا ایستاد که زیر پایش علف سبز شد. یک بُزه آمد تا علف بخورد، پای ا را هم گاز گرفت. ا داد زد: «یواش! منو نخور، من علف نیستم، الف هستم.»

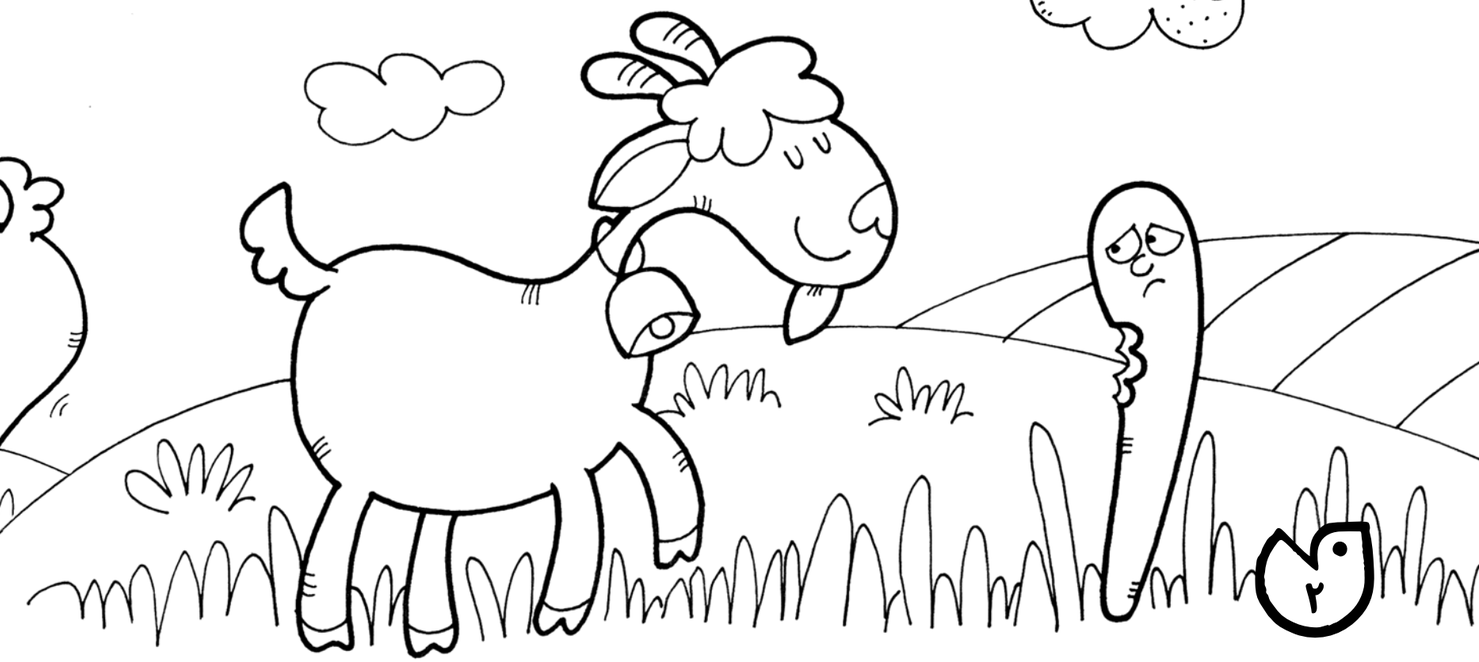

بزه ترسید و عقب عقب رفت و گفت: «من گرسنه‌ام، بزه گرسنه هم عَلَف و الف نمی‌فهمد. من گرسنه‌ام و باید تو را بخورم.»
ا گفت: «عجب بز خِنگی هستی! می‌گم الف هستم عَلَف نیستم. مگه نمی‌بینی حرف می‌زنم؟»
بزه گفت: «آخه من خیلی گرسنه‌ام.»

و بعد با یک گاز ا را هم خورد.
ا رفت توی شکم بزه و گفت: «حالا که زبان خوَش نمی‌فهمی، جوری دیگه حالیت می‌کنم.»
بعد سوزن شد و هی پرید بالا و پرید پایین. شکم بزِه سوراخ شد و ا پرید بیرون و رفت.

آ ـ آ ـ آ ـ آ ـ آ ـ آ ـ آ ـ آ ـ آ

آ

آ

آ

آ

آ

آ

آ

آ

ب و بادبادک

ب، نخِ بادبادک را گرفته بود. باد، بادبادک را بُرد بالا. بادبادک، باله‌هایش را تکان داد و خندید. **ب** هم خندید.

بزی آمد و با شاخ‌هایش زد به **ب** .

ب خورد زمین و نخِ بادبادک از دستش دَر رفت. بادبارک تو هوا وِل شد و داد زد:

«کمک! کمک!»

باد صدای بادبادک را شنید. دستِ بادبادک را گرفت و آورد پایین، پیش **ب**.

بزی فرار کرد. **ب** خاکی شده بود، پا شد و تا بادبادک را دید، خوش‌حال شد. باد هم رفت. **ب** و بادبادک برای باد، دست تکان دادند.

ب - ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب

ب ب ب ب

ب ب ب ب

ب ب ب ب

ب ب ب ب

د و مادربزرگ

د سبدش را برداشت و از خانه آمد بیرون. باغچه پُر از گُل بود. **د** چند تا گُل چید. مادربزرگش بیمار بود. **د** می‌خواست برایش گُل ببَرد. راه افتاد. هوا ابری شد و شُر شُر باران بارید.

د چتر نداشت. رفت زیر یک درخت.

باران تُند تُند می‌بارید.
وقتی **د** رسید به خانه‌ی مادربزرگ، سرما خورده بود.
مادربزرگ، سبد پُر از گل را گرفت و صورتش مثل گُل، باز شد. خوشحال شد.
امّا تا دید **د** سرما خورده، گفت:

«تو استراحت کن، من برایت سُوپ درست می‌کنم.»
د خوابید و بعد از سوپ مادربزرگ خورد و حالش خوب شد.

د ـ